

## تشیع در ایران

ایران بزرگ‌ترین جمعیت شیعی جهان را داراست. امروزه 98/8 درصد مردم این سرزمین مسلمان‌اند ...



ایران بزرگ‌ترین جمعیت شیعی جهان را داراست. امروزه 98/8 درصد مردم این سرزمین مسلمان‌اند که 91 درصد را پیروان مذهب تشیع تشکیل می‌دهند و پیروان مذهب اثنی‌عشری قریب به اتفاق دارند. پیروان دیگر فرق شیعه چندان زیاد نیستند و آمار دقیقی از آنان در دست نیست. پیروان مذاهب اسماعیلی در شهرهای قاین، گناباد، کرمان و محلات، بیش از دیگر شهرها تجمع دارند. 7/8 درصد پیروان اهل سنت این کشور، بیشتر در شهرهای مرزی و در میان ایلات و عشایر زندگی می‌کنند. ایران، تنها کشور اسلامی جهان است که مذهب رسمی آن تشیع است و بزرگ‌ترین جمعیت شیعی جهان را در بر دارد. این کشور با 1.648.195 کیلومتر مربع وسعت، شانزدهمین کشور جهان، در جنوب غربی آسیا میان مدارهای 25 تا 39 درجه عرض شمالی و 44 تا 63 درجه طول شرقی جای گرفته و جزو کشورهای خاورمیانه است. ایران از شمال با جمهوری ترکمنستان، دریای مازندران، جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان (جمعاً 2013 کیلومتر آب و خشکی) هم‌مرز است؛ از شرق با افغانستان (945 کیلومتر) و پاکستان (978 کیلومتر) مرز خشکی دارد؛ از غرب با ترکیه (486 کیلومتر) مرز خشکی و با عراق (1609 کیلومتر) مرز خشکی و آبی دارد؛ در جنوب از گواتر در دریای عمان تا ارون رود (شط العرب) در خلیج فارس دارای 2043 کیلومتر مرز آبی است.

نام

نام ایران از واژه اوستایی «اَئیریانه وئجه» = (ایران‌ویج) سرزمین آریایی‌ها گرفته شده و در دوره ساسانیان و نیز در کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی بعد از اسلام به صورت ایران‌شهر [= کشور ایران] آمده است. نام کنونی که در دوره اسلامی نیز به کار می‌رفته ظاهراً پس از سده سیزدهم شمسی رسمیت یافته است. اروپاییان علاوه بر ایران، واژه‌های پارس و پرشیا را که یونانیان به سرزمین پارس اطلاق می‌کردند، نیز به کار می‌بردند.

زبان و خط

زبان ایران «فارسی» و زبان‌های دیگر، ترکی آذری و عربی است. گویش‌های مهم زبان فارسی، کردی، لری، گیلکی، طبری و بلوچی هستند. خط نوشتاری برای همه زبان‌های نام برده در ایران، خط عربی (مأخوذ از خط آرامی کهن) است که خط رسمی کشور به شمار می‌آید.

ادیان و مذاهب

ایران بزرگ‌ترین جمعیت شیعی جهان را داراست. امروزه 98/8 درصد مردم این سرزمین مسلمان‌اند که 91 درصد را پیروان مذهب تشیع تشکیل می‌دهند و پیروان مذهب اثنی‌عشری قریب به اتفاق دارند. پیروان دیگر فرق شیعه چندان زیاد نیستند و آمار دقیقی از آنان در دست نیست. پیروان مذاهب اسماعیلی در شهرهای قاین، گناباد، کرمان و محلات، بیش از دیگر شهرها تجمع دارند. فرقه شیخیه بیشتر در کرمان ساکن‌اند و از غلات شیعه اهل حق در آذربایجان و باختران پراکنده‌اند. 7/8 درصد پیروان اهل سنت این کشور، بیشتر در شهرهای مرزی و در میان ایلات و عشایر زندگی می‌کنند. ترکمن و ازبک (بیلیش‌ها) که حنفی‌مذهب‌اند، در شهرهای گنبد، بندر ترکمن و آبادی‌های دشت گرگان پراکنده‌اند. سنیان کرد که شافعی‌مذهب‌اند، بیشتر در آذربایجان غربی، کردستان و باختران زندگی می‌کنند. ایلات و شهرنشینان سیستان و بلوچستان عموماً سنی‌مذهب‌اند. از شهرهای خراسان، تایباد، تربت جام و تربت حیدریه را می‌توان نام برد که بیشتر مردم آن مذهب تسنن می‌ورزند. پیروان دیگر ادیان، مسیحیان (ارمنیان ارومیه و تبریز، فریدن و جلفای اصفهان و نیز آشوریان و کلدانیان) 0/7 درصد، یهودیان (تهران، کاشان، شیراز، اصفهان، باختران و نواحی جنوبی) 0/3 درصد، زرتشتیان (اصفهان، یزد، تهران، کرمان) 0/1 درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و 0/1 درصد بقیه پیروان دیگر مذاهب و فرق هستند.

تاریخچه ایران بعد از اسلام

سپاهیان مسلمان طی 18 سال سرتاسر فلات ایران را درنوردیدند و خود را به کران آمودریا (جیحون) رساندند. جور و بیداد کارگزاران اموی ایرانیان را برای مبارزه به زیر پرچم علویان کشاند و قوامی دوجندان به این جنبش بخشید. در شورش بزرگ عراق و خوزستان به رهبری مختار بن ابوعبیده ثقفی (61-67 ق) ایرانیان که «جند حمراء» خوانده می‌شدند شرکت فعالی داشتند. بعدها شورش‌های بسیار در سرزمین‌های دوردست خلافت برپا شد. از مهم‌ترین آنان که بعدها به شکل نهضتی مذهبی و دودمانی حکومت‌گر در ایران شکوفا شد، قیام زید بن علی(ع)، فرزند امام زین‌العابدین(ع) در کوفه بود با مرگی حماسی، در سال 121 ق. انشعابی از شیعیان را موجب گردید که به زیدیه شهرت یافتند. چهار سال پس از آن، پسرش یحیی بن زید در خراسان بیرون آمد و از نصر بن سیار شکست خورد و با کشته شدنش نهضت شیعه یکسره به درون ایران و سرزمین طبرستان کشانده شد. فشار روزافزون حکام خلافت اموی در ایران، گروه‌های مسلمان را به گرد افرادی که به گونه‌ای با خاندان پیامبر(ص) بستگی داشتند، جمع می‌کرد. از اینان داعی‌ای به نام محمد بن علی - نواده عباس، عم پیامبر(ص) - بود که دعوتش به نهضت سیاه‌جامگان به رهبری ابومسلم در خراسان و روی کار آمدن عباسیان یاری کرد. سرانجام با شکست مروان حمار (133 ق.) قدرت عربی خالص از میان رفت و عنصر ایرانی پا در حکومت گشود. عباسیان شیعه نبودند، اما از جمله مواعیدشان کین‌خواهی زید بن علی(ع) و یحیی بن زید بود. شیعیان علوی به این جنبش امید بسته و در آن شرکت جستند،

اما چون کار نهضت به فرجام رسید، عباسیان تیغ در میان یاران دیرین نهادند و با کشته شدن ابوسلمه خلال، عنصر پرنفوذ شیعی نهضت، آن هم به دست کسان ابومسلم، این امید را یکسره نقش بر آب کردند. در 134 ق. سپاه علمان عباسی شورش مردم بخارا به رهبری شریک بن شیخ المهری شیعی را در خون فرونشستند. شیعیان (علویان) در برابر این رویارویی دو راه پیش گرفتند: آنانی که در ایستادند، همانند زیدیان و اسماعیلیان و به شهرهای دوردست و کوه‌ها برای نبرد پناه بردند و آنانی که به گونه‌ای سازش تن دادند. مأمون کاردان‌ترین خلیفه عباسی به واسطه گستردگی قلمرو پدرش و به خاطر تکیه دادن به نیروهای جنگجوی شیعی برای پیروزی بر امین، برادرش، در خراسان می‌زیست. وی با شیعیان روابطی حسنه داشت و برای رضایت ایشان، امام علی بن موسی الرضا(ع) را به خراسان فراخواند و ولیعهد خویش اعلام نمود. مأمون علم سپاه عباسیان را به پرچم سبز شیعیان مبدل کرد، ولی همین که نفوذ امام رضا(ع) و فضل بن سهل (عنصر ایرانی) رو به فزونی گذاشت (از سوی دیگر شورش‌هایی نیز در بغداد پدیدار شده بود) شکست خود را نزدیک دید و اندکی بعد فضل در حمام سرخس کشته شد و امام رضا(ع) در طوس مسموم گردید. نفوذ امیران طاهری در دستگاه خلافت چندان پیشرفت کرد که سپهسالاری لشکر خلیفه را داشتند و خاور ایران در دست عمال ایشان بود. در 250 ق. شورش‌هایی علیه کارگزاران طاهری برپا شد و حسن بن زید از نوادگان حسن بن علی(ع) به دعوت مردم طبرستان رهبری آنان را به دست گرفت و به داعی الحق یا داعی کبیر معروف گردید. وی پایه‌گذار دودمان زیدی حاشیه جنوبی خزر است که قلمرو آن، زمانی تا زنجان گسترش یافت. در این روزگار و اندکی پیشتر، حکومتی شیعی که بعدها با علویان طبرستان پیوستگی یافت، در رودبار الموت نشیمن داشتند. اینان امرای آل جستان دیلم بودند که فرمانروایی آنان از سده دوم تا آغاز سده چهارم دوام یافت و سرانجام محمد بن مسافر دیلمی به کار آنان پایان داد. در 287 ق. طبرستان به تصرف اسماعیل سامانی درآمد که مذهب تسنن را در آنجا زنده کرد اما با ظهور حسن بن علی اطروش (با لقب ناصر الحق یا ناصر کبیر) و شکستی که وی در 351 ق. بر شاه سامانی وارد ساخت، مذهب تشیع بار دیگر رونق گرفت. پس از وی حسن بن قاسم (داعی صغیر) مؤسس «زیدیان قاسمیه» بر جایش نشست که شاخه زیدیان قاسمیه یمن را یاری می‌رساند. در همین هنگام (207 ق) محمد بن مسافر دیلمی با واژگون کردن فرمانروایی آل جستان قدرتی را در طارم قزوین پایه گذاشت که تا سال 411 ق. دوام یافت. اینان شیعه اسماعیلی بودند که گستره حکومتی آنان به خاطر همسایگی با دیالمة ری محدود ماند و سرانجام به دست اسماعیلیان الموت برافتادند. حکومت دیلمیان جای علویان را گرفت. وجود خاندان‌های حکومتگر شیعی سبب تسریع نشر مذهب شیعه در سراسر طبرستان و گیلان گردید. در دهه‌های نخستین سده چهارم، ایران به سه حوزه قدرت: خاور ایران (قلمرو سامانیان)، شمال ایران به ویژه حاشیه جنوبی دریای خزر (قلمرو فرمانروایان زیدی طبرستان) و سرزمین‌های جنوبی که زیر سلطه کارگزاران عباسی بود، تقسیم می‌شد. در این روزگار که عباسیان سخت در کار بین‌النهرین فرو مانده بودند، میدان را برای درخشش نظامی پسران بویه ماهی‌گیر خالی گذاشتند و فرمانروایی یکصد و سی ساله آل بویه شیعی مذهب پا گرفت. آنان در 334 ق. عملاً به استیلای تازیان در ایران پایان دادند و حتی شهر بغداد و بارگاه خلیفه نیز زیر سم اسبان این شیعیان ایرانی نژاد به لرزه درآمد، آنان مطیع را به جای مستکفی به خلافت برداشتند. این بازی سیاسی پیامدی نیکو برای تحکیم قدرت و نشر عقاید شیعی در سراسر ایران داشت. آل بویه که می‌توانستند یکسره خلافت را بردارند، خلیفه را همچنان بر مسند باقی گذاشتند و با این حرکت سیاسی، از رویارویی با سنیان سراسر سرزمین‌های خلافت سر باز زدند و از دیگر سوی توانستند تشیع را در سراسر ایران رواج دهند. آل بویه چندان در ترویج مذهب شیعه کوشیدند که در آغاز سده هفتم بسیاری از شهرهایی که از قدیم دارای جمعیت شیعی بودند، مانند کاشان، تفرش، آوه، قم، ری، قزوین، ساری، نیشابور، سبزوار، سیرجان، استرآباد و ورامین یکسره شیعه‌نشین شدند. آیین‌هایی که آنان نهادند، مانند سوگواری ماه محرم و جشن عید غدیر خم تا به امروز پایداری دارند.

با وجودی که روزگار غزنویان (366-432 ق.) دوره اوج‌گیری تعصبات مذهبی سنی است و زیر لوای سنت، مخالفان حکومت را به شدیدترین وجهی کیفر می‌دادند، با این همه، سلاطین غزنوی به علویان حرمت می‌نهادند و نقیب علویان به دربار آنان رفت و آمد می‌کرد. فرمانروایان سلجوقی (431-552 ق) که سنی مذهب بودند، همچنان بر فشار خویش بر پیروان دیگر مذاهب می‌افزودند. به هنگام فرمانروایی طغرل سلجوقی چندان خلافت بغداد ناتوان شده بود که هر آن شهر بغداد در آشوب فرو می‌رفت و در هر آشوب محله کرخ بغداد را که شیعه‌نشین بود، غارت می‌کردند. در سال‌های 449-451 ق. به خاطر اختلاف خلیفه قائم بامرالله و امیر الامرای بویه، ابوالحارث بساسیری که خطبه به نام مستنصر - خلیفه فاطمی - خوانده بود، چنان آشوبی برخاست که قحطی به مرکز خلافت عباسی افتاد و بیماری طاعون و وبا همه‌گیر شد. طغرل سلجوقی به یاری خلیفه آمد و محله کرخ به دست اهل سنت غارت گردید و به آتش کشیده شد. فشار شدید سلجوقیان، پیروان اسماعیلی را به سوی کوهستان‌ها کشاند و از همین ايام قلعه‌گیری اسماعیلیان آغاز گردید. در این دوره، دیوانسالاران شیعه امامی اندک اندک به دستگاه دولتی راه یافتند، برخی از وزرای این دوره مانند، سعد الملك آبی، شرف‌الدین کاشانی و مجد الملك قمی، حتی وزرای مسترشد، ناصر و مستنصر، سه خلیفه عباسی نیز مذهب شیعه می‌ورزیدند و احتمالاً از انگیزه‌های دشمنی شدید نظام‌الملک با شیعیان همین نفوذ تدریجی آنان در دستگاه دیوانسالاری بوده است. سرسختی نظام‌الملک در هواداری از تسنن و تعصب ضد شیعی وی، سرانجام فدائیان اسماعیلی را به قتل وی واداشت و دور نیست که جانشین او تاج الملك قمی (شیرازی) که مذهب شیعه داشت در این اقدام شرکت داشته است. سده پنجم و ششم، اوج نیرومندی و تک‌کشی‌های دهشتبار اسماعیلیان است. در آغاز سده هفتم چهار فرقه شیعی مانده بود: سه فرقه غالی، نصیری، زیدیه، اسماعیلیه و یک فرقه میانه‌رو یعنی امامیه.

مغولان به شیوه همه صحرادران آسیای میانه از سخت‌گیری‌های مذهبی برکنار بودند. در قلمرو آنان پیروان مذاهب گوناگون در

کنار هم زندگی می‌کردند. این تسامح در اواخر عهد ایلخانان از میان رفت و آخرین امرای دودمان ایلخانی که به آیین اسلام درآمدند در کار دین تعصب می‌ورزیدند، چندان‌که غازان خان فرمان داد تا تمامی آتشکده‌ها، کلیساها و معابد را ویران سازند. وی از مذهب تسنن به تشیع گرایش یافت و دارالسیاده‌ها گشود که به دستگیری از سادات می‌پرداختند. الجایتو پس از مدتی سرگستگی در 709 ق. یکسره به شیعه گروید. وی برای نخستین بار تشیع را مذهب رسمی اعلام نمود و فرمان داد تا نام سه خلیفه را از خطبه و سکه بپندازند. تخته‌گاه او، سلطانیه، یکی از مراکز رشد فرهنگ شیعی بود که بزرگانی چون علامه حلی در آنجا درس می‌گفتند. بروز اوضاع نابسامان اجتماعی در پی فروپاشی دولت ایلخانان، قیامی را در خراسان بار آورد که نهضتی شیعی بود و بر طبقات فرودستی که از جور فاتحان مغول به جان آمده بودند تکیه داشت. تا آن هنگام بیشتر فرمانروایان ایرانی سنی مذهب بودند و تشیع مذهب توده‌های مردم به شمار می‌رفت. سریداران (737-788 ق) امرا و خان‌های مغول را غاصب و تنها اولاد علی(ع) را برای حکومت بر حق می‌دانستند. حسن جوری (که خود بیشتر صوفی می‌نمود) و بازوی مسلح او عبدالرزاق باشتینی پای بر این اهرم می‌فشردند. دنباله این نهضت به حکومت سادات مرعشی مازندران و سادات کیایی گیلان انجامید. در دو سده هفتم و هشتم گونه‌ای تسامح مذهبی همه‌گیر شده بود. اهل تسنن از آن همه عصیت کاسته بودند و اندکی به تشیع گرایش یافتند و شیعیان نیز که بر اریکه قدرت تکیه داشتند راه میانه می‌پیمودند و از سبب خلفا روی برمی‌تافتند. شعرای سنی مرثیه و مدح ائمه(ع) می‌گفتند. طوفان مغول تند باد سهمگین دیگری در پی داشت. جهان‌گشای خونریزی به نام تیمور گورکانی که خود را متدین شیعی نیز فرا می‌نمود آنچه را که از تیغ مغول بر پای مانده بود، به خاک و خون کشید. (782 ق.) اما این سلطه نیز چندان نپایید و در کشاکش ملوک طوایف از هم گسیخت (911 ق.). در همین روزگار آذربایجان و باختر ایران در کام نبردهای پیاپی اتحادیه قبایل ترکان فرو رفت. اتحادیه ترکمانان قراقویونلو (777-873 ق) که مذهب شیعه می‌ورزیدند و ترکمانان آق قویونلو (800-908 ق) که اهل سنت بودند آتش این جنگ‌ها را دامن می‌زدند. در این میان در قلمرو قراقویونلوها شورشی از شیعیان عرب خوزستان که خود را پیشگامان مهدی موعود(ع) می‌دانستند، برپا شد. این نهضت به رهبری مردی به نام سید محمد (845 ق) آغاز گردید و به فرمانروایی خاندان مشعشع انجامید. آق قویونلوهای شیعه مذهب را تار و مار کردند و قدرتی به هم رسانیدند که بعدها سخت مورد توجه کشورهای اروپایی آن روزگار واقع شد. امپراتوری نوپای عثمانی خطری بزرگ برای کشورهای اروپایی که به عصر رنسانس نزدیک می‌شدند، به شمار می‌رفت. اما دیری نپایید که نیروی بزرگ‌تری میان این دو درگرفت. بار دیگر آتش تعصبات مذهبی با رنگی سیاسی اما در حاشیه غربی ایران شعله‌ور گردید. پیامد این جنگ‌های فرساینده، کم شدن فشار عثمانیان بر جمهوری‌ها و امپراتوری‌های اروپا و گشایش راه پرسود بازرگانی خاور زمین بود.

دودمان تازه‌ای که در ایران پا گرفت و از 907 تا 1128 ق. در این سرزمین حکومت راندند، فرزندان سلسله‌ای از صوفیان بودند که سرحلقه آنان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود. این مرشدان تاجدار که بازماندگان دوره پادشاه مغول و آشتی مذاهب آن دوره بودند و در امور دینی تسامح بسیار داشتند، اندک اندک از صوفی‌گری ره به سوی شیعه امامیه گشودند. برخی از اخلاف شیخ صفی که به جانشینی او نیز رسیدند، در میان مریدان خود مرتبه‌ای الهی یافتند. شیخ علی سیاهپوش (830 ق.) نخستین مرشدی بود که از مذهب اهل سنت به مذهب شیعه گروید. صوفیان ایلات هوادار خود را قزلباش (سرخ کلاه) می‌خواندند و خود نیز چون مریدان، کلاهی دوازده ترک به نشانه دوازده امام(ع) بر سر می‌گذاشتند. شیخ ابراهیم مرشدی بود که لقب سلطان یافت و پسرش جنید از چنان نفوذ مذهبی و سیاسی بهره‌مند بود که اوزون حسن، خواهر خود را به زنی وی داد. اعمال فشار سلاطین سنی مذهب و متعصب عثمانی بر شیعیان (کشتار 40 هزار شیعه آسیای صغیر به فرمان سلطان سلیم اول تنها به خاطر اینکه در جنگ با شاه اسماعیل از پشت سر ایمن باشد) و نیز حملات پیاپی ازبکان به خراسان، سبب گردید که تمامی شیعیان فلات ایران به زیر علم شاه اسماعیل فراز آیند. فرمانروایان صفوی با برخورداری از حمایت فداییان قزلباش و ترکان شیعه مذهب، کشوری یکپارچه ولی ناهمگون پدید آوردند که حاکمیت آن برای نخستین بار در دست شیعیان امامی بود. تا این هنگام تشیع همه مراحل افت و خیز یک مذهب را گذرانده بود و دربار صفوی چیزی بر این تشیع نیفزود، به جز تدوین و تنقیح اصول و مفاهیم و گرد آوردن علمای دینی در گستره جغرافیایی ایران آن روز. با دست‌اندازی ازبکان سنی به خاک ایران، بار جنگ‌های فرساینده سنگین‌تر شد. از دیگرسو، کشاکش میان شاهان با سران قزلباش و بعد شاهسون‌ها که خود ساخته شاه عباس اول (م 1038 ق) در برابر قزلباش بودند، دستگاه گسترده دربار و نفوذ خواجه‌سرایان و ملاباشی‌ها، بی‌دانشی سلطان حسین که از تعصب و خامی دست به کشتار سنیان گشوده بود، با حمله شورشیان افغان به یکباره رنگ باخت، با تسلیم اصفهان در 1135 ق. بزرگ‌ترین فرمانروایی شیعه مذهب از میان رفت تا باز از میان فرو دستان ایلات قزلباش (افشار) جنگ‌جویی به نام نادر به پا خاست و زودتر از آنچه گمان می‌رفت، دوباره یکپارچگی کشور را به دست آورد. سرانجام وی در قورولتای بزرگ دشت مغان (1149 ق.) با تحمیل شرایطی از جمله اتحاد میان شیعیان و سنیان به ناخرسندی ظاهری خود در قبول تاج و تخت ایران پایان داد. هدف نادر در این اتحاد، پایان دادن به سرکشی و عصیان‌های سنیان ایران و جنگ‌های بی‌امان «باب عالی» بود، اما این طرح بر روی ورق‌پاره‌های قورولتای مغان به جا ماند. قتل نابهنگام نادر همه چیز را از هم پاشید. فرمانروایی مردمی کریمخان زند (م 1191 ق) هم نتوانست اوضاع آشفته را سر و سامان بخشد.

دوره حکومت دیرپای قاجاریان (1210-1339 ق) دوره پرتلاطم حرکات اجتماعی و سیاسی و نیز دوره آشنایی هرچه بیشتر مردم ایران با فرهنگ و تمدن اروپایی بود. همسایگان نیرومند و قدرت‌های بزرگ جهانی که زاده سرمایه‌داری شکوفای سده نوزدهم بودند، سهمی از سرزمین ایران را از شمال و خاور جدا ساختند که بعدها کشورهای افغانستان و پاکستان و جمهوری‌های آذربایجان شوروی و ترکمنستان از آن پاره‌ها متولد شدند. تندباد دگرگونی‌های اجتماعی پایانی سده نوزدهم، اروپا را درنوردید و

در آغاز سده بیستم پس از گذار از بوسفور به آسیای باختری راه یافت و آتش انقلاب مشروطیت را شعله‌ور ساخت. از سوی دیگر جور و بیداد حکام، شاهزادگان و کارگزاران قاجاریان، پناه بردن بسیاری از سران مذهبی به دامن امن حکومت، از تشیع مذهب حاکم، نیرویی بی‌خطر و مطیع حکام ساخته بود که برای مردم به صورت مجموعه‌ای از سنت‌های بی‌چون و چرایی که به شدت از در آویختن با مسائل اجتماعی پرهیز داشت، در آمده بود. پاره‌ای اصلاحات در زمان امیرکبیر، رفت و آمد به اروپا و آشنایی با غرب، ایجاد چاپخانه و کشیدن خطوط تلگراف، به ویژه تأسیس مدرسه دارالفنون (1268 ق) مسائل تازه‌ای را رو در روی فرهنگ سنتی ایران قرار داد. اخباریان و اصولیون در این مواجهه هر یک به راهی رفتند. اصولیان با آزادی‌خواهان هم‌نوا شدند و پیش‌تاز نهضت مشروطه گردیدند، آخوند خراسانی، آقا سید عبدالله طباطبایی، محمد حسین نایینی و حاجی میرزا خلیل از این گروه‌اند. اینان با رهانیدن شیعیان از بن بست جزمیت، راه را برای پذیرفتن تحولات اجتماعی گشودند و با تأکید در مقام مرجعیت، پایگاهی نیرومند در گردآوری قدرت مادی و معنوی روحانیان پدید آوردند که در جنبش تنباکو به رهبری میرزا شیرازی و بعد نهضت مشروطه جلوه‌گر شد. طی رویدادهای پیاپی که از سال 1323 ق. به بعد رخ داد، مردم توانستند پادشاه سالخورده قاجار را وادارند تا پای فرمان مشروطیت که در اصل اول متمم آن قید شده مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است (13 جمادی الثانی 1324 ق) امضا بگذارد. کشاکش آزادی‌خواهان و سیاست‌گزاران به ناآرامی‌های دوران محمدعلی شاه و احمدشاه انجامید و در برابر سیاست‌گزاران انگلیس هواداران «اتحاد اسلام» و مردم عادی شیفته پیشوای جدید آلمان شدند و آزادی‌خواهان به عثمانی محتضر پناه بردند.

رضاخان میرپنج با کودتای 1299 قدرت را در دست گرفت و عملاً به حکومت قاجاریان پایان داد. بی‌نظمی و دخالت‌های آشکار دولت‌های روسیه و انگلیس در ایران و شورش آزادی‌خواهانی چون خیابانی و میرزاکوک‌خان سبب گردید تا رضاخان با شدت هرچه تمام‌تر به سرکوب برخیزد. مردم که از نابسامانی به تنگ آمده بودند به دیکتاتوری تن دادند. تحولات کشورهای همسایه و نظم قهری به تثبیت مرزها انجامید و آرامش برقرار شد. فرهنگ، رفته رفته رشدی نسبی یافت. فشار بر روحانیت، گرفتن آزمون و صدور اجازه‌نامه رسمی برای لباس روحانیت و تبدیل محاضر شرعی به دفترخانه‌های دولتی و دیگر تضییقات از جنبه‌های بارز این دوران است. طوفان جنگ دوم جهانی رضاشاه را با خود برد. ورود متفقین اثرات اقتصادی و اجتماعی عمیقی بر جای گذاشت و نفت مهم‌ترین موضوع در سیاست و اقتصاد شد. همه این عوامل دست به هم داد و دوران پرجوش و خروش آغاز سلطنت محمدرضا شاه را رقم زد. وی با موجی از نوجویی قشر بزرگی از مردم روبه‌رو شد که به تحولات دهه 20 انجامید. برای نخستین بار در تاریخ ایران جناح‌های گوناگون سیاسی و سیاسی مذهبی پدیدار شدند و در کار حکومت دخالت کردند. این تلاش‌ها به دوران پر تلاطم حکومت دکتر مصدق انجامید. نیروی تازه نفس سرمایه‌داری آمریکا رقیب خود انگلیس را کنار گذاشت و کودتای 1332 ش را رهبری نمود. از آن پس محمدرضا شاه به شیوه‌ای نیمه‌غربی به نوسازی ایران پرداخت که به تعارض با باورهای مذهبی در میان مردم انجامید. وی برای جلوگیری از جنبش مردم، دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی نیز پدید آورد، اما در 15 خرداد 1342 با قیام خونین مذهبی مواجه شد، قیامی که سرانجام در 22 بهمن 1357 به پیروزی رسید و منجر به تشکیل نخستین حکومت شیعی تمام عیار در ایران گردید.

ماهنامه موعود شماره 104

منابع و مأخذ

ایران‌شهر، انتشارات یونسکو، جغرافیای کامل ایران، وزارت آموزش و پرورش؛ جغرافیای مفصل ایران؛ آل بویه و اوضاع زمان ایشان؛ تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ریچارد. ن. فرای؛ تاریخ ایران کمبریج، بویل؛ تاریخ مردم ایران قبل از اسلام و بعد از اسلام، زرین‌کوب.

\* با استفاده از دایرةالمعارف تشیع، ج 2، ص 625-633.

مذهب نیوز